

## مجمع الانشاء

عباسقلی غفاری فرد\*

### چکیده

در بررسی مجمع الانشاء، مقاله حاضر به ارایه تصویری کلی از نقش منشآت، جنگها، و مجموعه مکاتیب در تاریخنگاری و بررسی تاریخی پرداخته است. همچنین برای آشنایی بیشتر با مجمع الانشاء نامه مولانا محمد مشکک به علمای ماوراءالنهر مورد بررسی قرار می‌گیرد. نامه مولانا محمد مشکک پیرو نامه‌ای است که علمای ماوراءالنهر به درخواست عبدالله خان ازبک در جواب به نامه بزرگان مشهد در خصوص حمله وحشیانه ازبکهای مسلمان به مردم مسلمان مشهد نگاشته شده است.

کلیدواژه: منشآت، مکاتبات، مولانا محمد مشکک، عبدالله خان ازبک، علمای ماوراءالنهر.

مجمع الانشاء مجموعه‌ای از مکاتبات، فرامین و عرایض دوره سلجوقی، تیموری و صفوی است که چارلز ریو در فهرست نسخ خطی فارسی در موزه بریتانیا، عنوان آن را نسخه جامعه مراسلات اولوالالباب ثبت کرده است. مهدی بیانی در پشت صفحه نخست نسخه خطی مربوط به کتابخانه ملی به شماره ۱۰۷۹ درباره نام اصلی کتاب و نامگذاری آن از سوی چارلز ریو، چنین نوشته است:

نام و نام مؤلف این کتاب در فهرست کتابهای خطی کتابخانه عمومی معارف، تألیف عبدالعزیز جواهر کلام تصریح نشده و ذیل شماره ۱۴۳ جزء اول فهرست مزبور آن را مجمع الانشاء در مراسلات سلاطین سلجوقیه و صفویه ذکر کرده است. نام مؤلف این کتاب ابواغلی حیدر بن ابوالقاسم و با آنکه غالب

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد - واحد تهران مرکز.

کلمات صفحه اول این کتاب محو و ریخته است، در سطر شانزدهم کلمات «ابن ابوالقاسم ایواغلی حیدر» خوانده می‌شود.

همچنین در صفحه دوم سطر ششم کتاب حاضر می‌خوانیم:

لوح دبستان آدابست نسخه جامعه مراسلات اولوالالبابست.

چارلز ریو، مؤلف فهرست کتابهای خطی فارسی بریتیش میوزیوم، استناد به جمله اخیر عبارت کتاب نموده نام کتاب را نسخه جامعه مراسلات اولوالالباب دانسته است. مجمع‌الانشاء، مشتمل بر دو جزء و یک خاتمه است.

۲۸ خرداد ۱۳۱۵ (مهدی بیانی)

### بخش نخست

#### مندرجات مجمع‌الانشاء

جزء اول محتوی بر منشآت از زمان سلاطین سلجوقی تا زمان شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق)؛ جزء دوم منظوی بر مکاتبات و مراسلات سلسله صفویه که در معنی والیان ولایت و کرامت و در صورت پادشاهان عظیم الشأن به حساب می‌آمدند؛ و خاتمه که مشتمل بر مکاتبات و منشآت اصحاب دانش و ارباب طبیعت و منتخبات تواریخ و تحفه مجلس شاهنشاهی است.

جزء اول، هشتاد و هفت نوشته را دربر می‌گیرد که عبارت است از:

- |  |  |
|--|--|
| ۱. نامه سلطان الب ارسلان به یکی از فرزندان خود                             | ۵. جواب عریضه خواجه نظام الملک   |
| ۲. منشور الب ارسلان در انتصاب خواجه نظام الملک به وزارت فرزندش ملک شاه     | ۶. منشور الب ارسلان در تعیین قاضی الاسلام  |
| ۳. منشور الب ارسلان در تعیین عمیدالملک به حکومت کوهستان و توابع و نواحی آن | ۷. جواب امام محمدغزالی به نظام الملک که از سوی او به جهت تدریس در نظامیه بغداد تعیین شده بود |
| ۴. عرضه داشت خواجه نظام الملک به سلطان جلال‌الدین ملک شاه سلجوقی           | ۸. نامه غزالی به سلطان سنجر سلجوقی   |
|  | ۹. منشور سلطان جلال‌الدین والی روم در باب عمارت عثمانجیق خوندگار روم                         |

دوره جدید، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۹)

۱۰. منشور سلطان علاءالدین فرامرز سلجوقی به عثمانجیق خوندگار روم
۱۱. رقعہ امام محمد غزالی به خواجہ نظام الملک
۱۲. منشور سلطان علاءالدین سلجوقی به عثمان بنیانگذار سلسلہ عثمانی
۱۳. جواب عثمان به سلطان علاءالدین
۱۴. حکم سلطان اورخان پسر عثمان در باب حکومت بعضی محال کہ به سلیمان پاشا پسر خود نوشته
۱۵. نامہ سلیمان پاشا به اورخان
۱۶. نامہ اورخان به حاکم قرامان
۱۷. عهدنامہ حاکم قرامان با اورخان
۱۸. فتحنامہ ایلدرم بایزید بعد از کشته شدن پدرش در جنگ فرنگ در کتمان مرگ پدر
۱۹. حکم مخفی ایلدرم بایزید کہ همراه فتحنامہ مذکور نوشته شده
۲۰. نامہ [امیر] تیمور به ایلدرم بایزید نوبت اول
۲۱. جواب نامہ امیر تیمور
۲۲. نامہ امیر تیمور به ایلدرم بایزید دفعہ دوم
۲۳. جواب نامہ امیر تیمور
۲۴. نامہ امیر تیمور از مراغہ به ایلدرم بایزید در باب طلب صلح
۲۵. نامہ دیگر امیر تیمور به ایلدرم بایزید
۲۶. جواب نامہ امیر تیمور
۲۷. نامہ امیر تیمور به قیصر روم
۲۸. نامہ امیر تیمور به پادشاه مصر
۲۹. نامہ امیر تیمور به سیدعلی کیاگیلانی
۳۰. جواب نامہ امیر تیمور از سوی سیدعلی کیاگیلانی
۳۱. نامہ امیر تیمور به سیدعلی کیاگیلانی
۳۲. نامہ امیر تیمور به سلطان احمد جلایری
۳۳. جواب نامہ امیر تیمور
۳۴. نامہ امیر تیمور به ایلدرم بایزید خان والی روم
۳۵. جواب نامہ امیر تیمور
۳۶. نامہ شاهرخ به برادرش میرانشاه
۳۷. نامہ شاهرخ به برادرزادہ اش میرزا اسکندر پسر عموی شیخ
۳۸. ذکر اولاد و احفاد پادشاه امیر تیمور
۳۹. نامہ دایمینگ خان پادشاه ختای به شاهرخ
۴۰. جواب شاهرخ به دایمینگ
۴۱. نامہ شاهرخ به پادشاه ختای
۴۲. نامہ شاهرخ به خضرخان حاکم هندوستان
۴۳. صورت خطبہ شاهرخ پادشاه
۴۴. نامہ شاهرخ به پسرش الغ بیگ
۴۵. نامہ شاهرخ به سلطان محمد پسر ایلدرم بایزید

۴۶. جواب نامه شاهرخ  
 ۴۷. حکم میرزا شاهرخ به والی مصر  
 ۴۸. نامه یکی از سادات به شاهرخ  
 ۴۹. نامه سید محمد نوربخش در نصیحت مریدان و اهل معرفت  
 ۵۰. نامه شاهرخ به ممالک محروسه در دفع قرایوسف ترکمان  
 ۵۱. نامه ابراهیم بن شاهرخ که به نام مولانا حسن نوشته شده  
 ۵۲. منشور شاهرخ به نامه کیای گیلانی  
 ۵۳. منشور شاهرخ به پسرش سلطان محمد میرزا در باب حکومت عراق  
 ۵۴. نامه شاهرخ به سید محمد نوربخش  
 ۵۵. رقعہ سلطان ملکشاه به حسن صباح  
 ۵۶. جواب این رقعہ  
 ۵۷. نامه سلطان محمد بن بایسنقر به مراد بیگ رومی  
 ۵۸. نامه سلطان محمد بن بایسنقر به جهانشاه میرزا  
 ۵۹. نامه سلطان محمد بن بایسنقر در جواب نامه ناصر گیلانی  
 ۶۰. نامه یکی از سلاطین به سلطان ابوسعید گورکان  
 ۶۱. نشان صدارت سلطان حسین میرزا  
 ۶۲. فتحنامه سلطان حسین میرزا به یادگار محمد میرزا  
 ۶۳. نامه سلطان حسین میرزا به مولانا جامی  
 ۶۴. نامه سلطان حسین میرزا به خواجه عبدالله سمرقندی  
 ۶۵. نامه سلطان حسین میرزا به سلطان محمد رومی  
 ۶۶. فرمان سلطان حسین میرزا در منع ریش تراشی  
 ۶۷. نامه امیر علیشیر به فضل الله بن محمد و خواجه عبدالله مروارید  
 ۶۸. نامه سلطان حسین میرزا به امیر علیشیر در باب حج  
 ۶۹. جواب نامه مذکور  
 ۷۰. جواب سلطان حسین میرزا به امیر علیشیر  
 ۷۱. نامه سلطان حسین میرزا به سلطان علی خوشنویس  
 ۷۲. نامه امیرحسن بیگ (اوزون حسن) به سلطان محمد فاتح عثمانی  
 ۷۳. جواب نامه امیرحسن بیگ  
 ۷۴. نامه حسن پادشاه به سلطان محمد  
 ۷۵. نامه سلطان محمد فاتح به پسرش سلطان جم  
 ۷۶. نامه حسن پادشاه به سلطان حسین میرزا  
 ۷۷. نامه سلطان حسین میرزا به حسن پادشاه  
 ۷۸. نامه سلطان حسین میرزا به حسن پادشاه  
 ۷۹. نامه قرایوسف به سلطان محمد فاتح

۸۰. نامه قراعثمان به شاهرخ  
 ۸۱. نامه خواجه جهان از جانب سلطان محمد تهمتن حاکم هندوستان به سلطان محمد فاتح  
 ۸۲. نامه سلطان محمد فاتح به پسر خود که حاکم قرامان بود  
 ۸۳. عریضه پسر سلطان محمد به پدر  
 ۸۴. نامه سلطان سلیم به الوند ترکمان  
 ۸۵. نامه سلطان سلیم به عبیدخان اوزبک  
 ۸۶. جواب نامه مذکور  
 ۸۷. جواب سلطان سلیم به عبیدخان.

\*\*\*

جزء دوم در هفت فصل تدوین گردیده که ترتیب آن به شرح زیر است:

فصل اول: نامه‌های دوران شاه اسماعیل اول

فصل دوم: نامه‌های دوران شاه تهماسب اول

فصل سوم: نامه‌های دوران شاه اسماعیل دوم

فصل چهارم: نامه‌های دوران سلطان محمد خدابنده

فصل پنجم: نامه‌های دوران شاه عباس اول

فصل ششم: نامه‌های دوران شاه صفی

فصل هفتم: در نسخ موجود، این فصل و خاتمه به چشم نمی‌خورد و تقسیم کتاب به دو جزء و تقسیم جزء دوم به هفت فصل و نیز یک خاتمه از مندرجاتی است که در مقدمه کتاب به ثبت رسیده است.

تعداد نوشته‌های جزء دوم، دویست و پنجاه و پنج نامه و نشان است که عبارتند از:

۱. نامه شاه اسماعیل اول به سلطان حسین میرزا  
 ۲. جواب نامه مذکور  
 ۳. نامه شیبیک خان به شاه اسماعیل اول  
 ۴. نامه شاه اسماعیل اول به شیبیک خان در باب علاءالدوله ذوالقدر  
 ۵. نامه شاه اسماعیل به شیبیک خان  
 ۶. نشان شیبیک خان اوزبک  
 ۷. نامه شاه اسماعیل اول به قانصوغوری سلطان مصر  
 ۸. نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان  
 ۹. نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب در باب سلطان بایزید  
 ۱۰. نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب در باب سلطان بایزید  
 ۱۱. نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب در باب سلطان بایزید  
 ۱۲. نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب در باب صلح  
 ۱۳. جواب نامه مذکور

۱۴. جواب سلطان سلیمان به شاه تهماسب
۱۵. نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان
۱۶. نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان در باب سلطان بایزید
۱۷. نامه سلطان سلیمان به شاه تهماسب
۱۸. نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان
۱۹. عریضه سلطان سلیم به پدرش سلطان سلیمان در باب بایزید
۲۰. جواب عریضه مذکور
۲۱. نامه شاه تهماسب به پادشاه روم
۲۲. نامه سلطان سلیمان در باب گرفتن بایزید
۲۳. نامه سلطان سلیمان در باب بایزید
۲۴. نامه شاه تهماسب در باب بایزید
۲۵. نامه سلطان سلیم پادشاه روم به شاه تهماسب
۲۶. نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان عثمانی
۲۷. نامه شاه تهماسب به سلطان مراد پادشاه روم
۲۸. نامه همایون پادشاه به شاه تهماسب
۲۹. نامه همایون پادشاه به شاه تهماسب
۳۰. جواب نامه مذکور
۳۱. نامه همایون پادشاه به شاه تهماسب پس از بازگشت از ایران
۳۲. نامه شاه تهماسب به عبیدخان اوزبک
۳۳. نامه عبیدخان به شاه تهماسب
۳۴. جواب نامه مذکور
۳۵. نامه عبید به سلطان مراد عثمانی
۳۶. نامه شاه تهماسب به اکبرشاه گورکانی
۳۷. نامه شاه تهماسب به سلطان روم در باب الامه و القاس میرزا
۳۸. فرمان سلطان ابراهیم میرزا در باب ایشیک آقاسی باشی‌گری نظام‌الدین علی بیگ اوحدی
۳۹. سواد پروانچه شاه تهماسب به خان احمد گیلانی
۴۰. نامه اسکندر پاشا به شاه تهماسب
۴۱. نشان چرخچی باشی‌گری ولی بیگ استاجلو
۴۲. نشان تولیت آستان امام رضا (ع) به یکی از سادات
۴۳. سواد نشانی که خواجه امیربیگ مهرداد در جواب کتابتی که از مشرف قلعه قهقهه بر خودشان او نوشته بود
۴۴. سواد نشان وزارت خواجه امیربیگ مهرداد
۴۵. سواد پروانچه شاه تهماسب به معصوم بیگ صفوی
۴۶. سواد فرمان شاه تهماسب به امیر میرزا شکرالله مستوفی الملک
۴۷. عرضه داشت شاه طاهر از هندوستان

۴۸. عرضه داشت شاه طاهر به شاه تهماسب
۴۹. عرضه داشت شاه طاهر به مولانا شمس‌الدین محمد
۵۰. نامه همایون پادشاه به بهادرخان حاکم گجرات
۵۱. نامه قاضی جهان به همایون پادشاه
۵۲. جواب بهادرخان به همایون پادشاه
۵۳. نامه مریم بیگم به والده خود
۵۴. نامه مریم بیگم به همشیره خود زینب بیگم
۵۵. نامه اسماعیل میرزا به اکبرشاه
۵۶. فرمان وزارت میرزا سلمان از سوی اسماعیل میرزا
۵۷. فرمان اعطای حکومت به میرزا شکرالله
۵۸. نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان
۵۹. اعطای منصب امیردیوانی به سلطان ابراهیم
۶۰. نامه سلطان محمد به سلطان مراد عثمانی
۶۱. نامه سلطان محمد به سلطان مراد عثمانی
۶۲. نامه سلطان محمد به شاه فتح‌الله شیرازی
۶۳. نامه شاه عباس به سلطان مراد عثمانی
۶۴. سنور (قرارداد مرزی) به امضای خضر پاشا و حسن خان قورچی
۶۵. نامه سلطان مراد خان به شاه عباس اول
۶۶. نامه شاه عباس اول به خان احمد گیلانی
۶۷. نامه شاه عباس به سلطان مراد عثمانی
۶۸. نامه سلطان مراد به شاه عباس
۶۹. نامه شاه عباس به سلطان مراد
۷۰. نامه سلطان مراد به شاه عباس
۷۱. نامه شاه عباس به سلطان مراد
۷۲. نامه سلطان محمدخان عثمانی به شاه عباس
۷۳. نامه شاه عباس به سلطان محمد خان
۷۴. نامه سلطان محمد به شاه عباس
۷۵. نامه سلطان محمد به شاه عباس
۷۶. نامه سلطان محمد به شاه عباس
۷۷. نامه سلطان محمد به شاه عباس
۷۸. نامه سلطان محمد به شاه عباس
۷۹. جواب نامه سلطان محمد
۸۰. نامه سلطان محمد به شاه عباس
۸۱. نامه سلطان محمد به شاه عباس
۸۲. نامه شاه عباس به سلطان محمد
۸۳. نامه شاه عباس به سلطان احمد عثمانی
۸۴. نامه شاه عباس به سلطان احمد عثمانی
۸۵. نامه شاه عباس به سلطان احمد عثمانی

۸۶. صلح نامه که قاضی خان صدر نوشته
۸۷. نامه سلطان عثمانی به عباس اول
۸۸. نامه شاه عباس به سلطان عثمانی
۸۹. نامه سلطان مصطفی به شاه عباس
۹۰. جواب نامه مذکور
۹۱. نامه شاه عباس به سلطان مصطفی  
(به قلم میرمحمد باقر داماد)
۹۲. نامه سلطان مراد به شاه عباس
۹۳. جواب نامه مذکور
۹۴. نامه وزیر اعظم عثمانی به شاه عباس
۹۵. نامه وزیر اعظم سلطان مراد به شاه عباس
۹۶. نامه وزیر اعظم شاه عباس
۹۷. نامه وزیر اعظم سلطان مراد به شاه عباس
۹۸. نامه شاه عباس به مفتی روم
۹۹. نامه وزیر اعظم سلطان محمد به شاه عباس
۱۰۰. نامه وزیر اعظم سلطان محمد به شاه عباس
۱۰۱. نامه محمد پاشا وزیر سلطان محمد خان به شاه عباس
۱۰۲. نامه وزیر اعظم به عباس اول
۱۰۳. نامه حسن پاشا وزیر دوم سلطان محمد عثمانی به شاه عباس
۱۰۴. نامه یکی از وزراء به شاه عباس
۱۰۵. عریضه جعفر پاشا به شاه عباس
۱۰۶. عریضه جعفر پاشا
۱۰۷. عریضه علی بیگ به شاه عباس در باب صلح
۱۰۸. نامه مراد پاشا به شاه عباس
۱۰۹. نامه نصح پاشا به شاه عباس
۱۱۰. نامه شاه عباس به نصح پاشا
۱۱۱. نامه سلطان محمد در جواب نامه صفی میرزا در باب تعزیه شاه عباس اول
۱۱۲. نامه حاتم بیگ به ابراهیم پاشا وزیر عثمانی
۱۱۳. نامه ابراهیم پاشا به حاتم بیگ
۱۱۴. نامه حاتم بیگ به وزیر اعظم عثمانی
۱۱۵. نامه نصح پاشا به حاتم بیگ
۱۱۶. نامه یکی از وزراء به حاتم بیگ
۱۱۷. نامه ذورالفقار خان به پاشای شام
۱۱۸. نامه شاه عباس به وزیر اعظم سلطان مصطفی عثمانی
۱۱۹. صورت پروانچه شاه عباس به میرزای عالمیان
۱۲۰. فتحنامه شاه عباس
۱۲۱. نامه شاه عباس به اکبر شاه
۱۲۲. جواب اکبر شاه
۱۲۳. نامه شاه عباس به اکبر شاه
۱۲۴. نامه شاه عباس به اکبر شاه
۱۲۵. نامه شاه عباس به اکبر شاه
۱۲۶. نامه شاه عباس به شاه سلیم (گورکانی)



۱۲۷. نامه شاه عباس به شاه سلیم در باب تعزیت اکبرشاه
۱۲۸. نامه شاه عباس به شاه سلیم در تهنیت پادشاهی او
۱۲۹. نامه شاه سلیم به شاه عباس
۱۳۰. نامه شاه عباس به شاه سلیم
۱۳۱. نامه شاه سلیم به شاه عباس
۱۳۲. نامه شاه عباس به شاه سلیم
۱۳۳. جواب نامه مذکور
۱۳۴. نامه شاه عباس به شاه سلیم در باب اصطربلاب
۱۳۵. رقعہ شاه سلیم به شاه عباس
۱۳۶. رقعہ شاه عباس به شاه سلیم
۱۳۷. رقعہ شاه عباس به شاه سلیم
۱۳۸. نامه شاه عباس به نور محل حرم شاه سلیم
۱۳۹. نامه شاه عباس به شاه سلیم
۱۴۰. نامه شاه عباس به شاه سلیم
۱۴۱. جواب نامه مذکور
۱۴۲. نامه شاه عباس به شاه سلیم
۱۴۳. جواب نامه مذکور
۱۴۴. نامه شاهزاده دانیال به شاه عباس
۱۴۵. جواب نامه مذکور
۱۴۶. نامه شاهزاده خرم به شاه عباس
۱۴۷. جواب نامه مذکور
۱۴۸. نامه شاه عباس به شاهزاده خرم
۱۴۹. نامه شاهزاده خرم به شاه عباس
۱۵۰. نامه شاه عباس به شاهزاده خرم
۱۵۱. نامه شاه جهان به شاه عباس
۱۵۲. رقعہ شاه عباس به شاه جهان بعد از فوت شاه سلیم
۱۵۳. جواب نامه مذکور
۱۵۴. نامه شاه عباس در دفع محاربه شاه سلیم با پادشاهان دکن
۱۵۵. نامه شاه عباس به عادل شاه
۱۵۶. نامه شاه عباس به قطب شاه
۱۵۷. نامه قطب شاه به شاه عباس
۱۵۸. نامه شاه عباس به عبدالله خان
۱۵۹. نامه شاه عباس به عبدالله خان
۱۶۰. نامه عبدالؤمن خان به شاه عباس
۱۶۱. جواب نامه مذکور
۱۶۲. نامه عبدالؤمن خان به شاه عباس
۱۶۳. جواب نامه مذکور
۱۶۴. نامه عبدالؤمن خان به شاه عباس
۱۶۵. جواب نامه مذکور
۱۶۶. نامه عبدالؤمن خان به شاه عباس
۱۶۷. جواب نامه مذکور
۱۶۸. نامه شاه عباس به عبدالؤمن خان
۱۶۹. جواب نامه مذکور
۱۷۰. جواب نامه شاه عباس از سوی عبدالؤمن خان
۱۷۱. نامه شاه عباس به نور محمد خان
۱۷۲. نامه شاه عباس به عبدالرحیم خواجه بخاری
۱۷۳. عرضه داشت خان احمد گیلانی به شاه عباس

۱۷۴. عریضهٔ خان احمد به شاه عباس  
 ۱۷۵. جواب عریضهٔ مذکور  
 ۱۷۶. نامهٔ شاه صفی به سلطان مراد خان  
 ۱۷۷. نامهٔ شاه صفی به سلطان مراد خان  
 ۱۷۸. نامه سلطان مراد به شاه صفی  
 ۱۷۹. نامه سلطان ابراهیم به شاه صفی  
 ۱۸۰. جواب نامهٔ مذکور  
 ۱۸۱. نامهٔ سلطان ابراهیم خان به شاه صفی  
 ۱۸۲. جواب نامهٔ مذکور  
 ۱۸۳. نامهٔ شاه جهان به شاه صفی  
 ۱۸۴. نامهٔ شاه صفی به شاهزاده خرم  
 ۱۸۵. نامهٔ شاه صفی به سلطان خرم  
 ۱۸۶. نامهٔ شاه صفی به سلطان خرم  
 ۱۸۷. جواب سلطان خرم به نامه مذکور  
 ۱۸۸. نامهٔ سلطان خرم به شاه صفی  
 ۱۸۹. نامه سلطان خرم به شاه صفی  
 ۱۹۰. نامهٔ امامقلی خان به شاه صفی  
 ۱۹۱. نامهٔ نور محمد خان به مرتضی قلی خان  
 ۱۹۲. نامهٔ شاه صفی به امامقلی خان  
 ۱۹۳. نامهٔ سلطان محمدشاه به احمدخان بیگ قورچی  
 ۱۹۴. نامهٔ شاه صفی به اسفندیار خان والی اورگنج  
 ۱۹۵. نامهٔ اسفندیارخان به شاه صفی  
 ۱۹۶. نامهٔ سپهسالار شاه صفی به اسفندیار خان
۱۹۷. فتحنامه بعد از فتح ایروان  
 ۱۹۸. چهارنامه به شاه صفی  
 ۱۹۹. نامه شاه صفی به پادشاه روس  
 ۲۰۰. نامهٔ شاه صفی به پادشاه روس  
 ۲۰۱. نامه‌ای از شاه صفی  
 ۲۰۲. نامه‌ای از جانب شاه صفی به سلطان بلاغی  
 ۲۰۳. نامه‌ای از شاه صفی به سلطان بلاغی  
 ۲۰۴. نامهٔ نور محمد خان به شاه صفی  
 ۲۰۵. عریضهٔ رستم محمدخان اوزبک  
 ۲۰۶. نامهٔ مرتضی پاشا به رستم خان سپهسالار  
 ۲۰۷. جواب نامهٔ مذکور  
 ۲۰۸. نامهٔ محمدپاشا به شاه صفی  
 ۲۰۹. نامهٔ محمد پاشا به شاه صفی  
 ۲۰۹. نامهٔ محمد پاشا به شاه صفی  
 ۲۱۰. جواب شاه صفی به نامهٔ مذکور  
 ۲۱۱. جواب نامهٔ مرتضی پاشا بیگلریگی ایروان  
 ۲۱۲. نامهٔ شاه صفی به محمد پاشا وزیر اعظم  
 ۲۱۳. نامهٔ محمد پاشا وزیر اعظم به شاه صفی  
 ۲۱۴. جواب نامهٔ محمد پاشا  
 ۲۱۵. جواب از سوی محمد پاشا  
 ۲۱۶. نامه به محمد پاشای مذکور  
 ۲۱۷. جواب محمد پاشا

۲۱۸. نامه محمد پاشا به شاه صفی  
 ۲۱۹. سنورنامه از جانب محمد پاشا  
 ۲۲۰. سنورنامه از جانب شاه صفی  
 ۲۲۱. نامه از جانب محمد پاشا  
 ۲۲۲. اخلاص نامه از جانب محمد پاشا  
 ۲۲۳. اخلاص نامه از جانب محمد پاشا  
 ۲۲۴. جواب نامه محمد پاشا  
 ۲۲۵. حکم شاه صفی به صفدر خان ایلچی هند  
 ۲۲۶. نامه شاه صفی به لوندخان  
 ۲۲۷. نامه لوندخان در تعزیت شاه صفی  
 ۲۲۸. فرمانی که از مازندران به اسم والی باش آچوق صادر گشته  
 ۲۲۹. نامه از جانب اعتمادالدوله به تهمورث خان گرجی  
 ۲۳۰. نامه از جانب سپهسالار رستم خان به محمد پاشای وزیر عثمانی  
 ۲۳۱. نامه سپهسالار به محمد پاشا  
 ۲۳۲. نامه وزیر اعظم مصطفی پاشا به رستم خان  
 ۲۳۳. نامه وزیر اعظم به سپهسالار  
 ۲۳۴. نامه سردار مذکور به سپهسالار  
 ۲۳۵. جواب نامه مذکور  
 ۲۳۶. نامه مصطفی پاشای وزیر به رستم خان  
 ۲۳۷. نامه مصطفی پاشا به ساروخان  
 ۲۳۸. نامه رستم خان به مصطفی پاشای صدراعظم
۲۳۹. نامه رستم خان سپهسالار  
 ۲۴۰. نامه مصطفی پاشا به شاه صفی  
 ۲۴۱. نامه رستم خان به مصطفی پاشا  
 ۲۴۲. نامه مستوفی الممالک به اعظم خان قاضی  
 ۲۴۳. رقعۀ به شاه صفی از سلطان بلاغی  
 ۲۴۴. عطوفت نامه از شاه به سلطان بلاغی  
 ۲۴۵. نامه از شاه عباس ثانی به شاهزاده خرم  
 ۲۴۶. سواد فرمان بعد از فتح قندهار به پادشاه هند  
 ۲۴۷. نامه شاه صفی به مرادبخش  
 ۲۴۸. نامه شاه صفی به والی دکن  
 ۲۴۹. رقعۀ داراشکوه  
 ۲۵۰. جواب رقعۀ داراشکوه  
 ۲۵۱. نامه یکی از فضلا در حین محاصره مشهد از سوی عبیدالله خان  
 ۲۵۲. جواب نامه علمای ماوراءالنهر  
 ۲۵۳. جواب نامه علمای ماوراءالنهر به قلم محمد مشکک رستمدراری  
 ۲۵۴. صورت وقف نامچۀ شاه عباس ماضی  
 ۲۵۵. سواد حکم شاه تهماسب در آمدن همایون پادشاه.<sup>۲</sup>

شرح بالا از نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی مذکور شد. در نسخه خطی متعلق به موزه بریتانیا، آخرین نامه از طرف رستم خان به صدراعظم مصطفی پاشا ثبت گردیده است.<sup>۳</sup>

تعداد این نوشته‌ها را مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه در فهرست فیلم نسخه‌های خطی متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مجموعاً ۱۳۱ مورد ذکر کرده است.<sup>۴</sup> شماره میکروفیلم مربوط به دانشگاه تهران (کتابخانه مرکزی)، ۲۷۲۲ است و شماره عکس آن نیز در همین مکان، ۶۷۱۰ ثبت گردیده است. گویا اصل این نسخه در سه جلد خطی بوده که در پنج جلد به صورت عکس درآمده و این نسخه ابتدا در اختیار دکتر مهدی بیانی بوده، سپس به مالکیت جعفر شریف امامی درآمده و پس از آن نسخه اصلی در اختیار مجلس شورای ملی قرار گرفته است.

در کتابخانه مجلس شورای ملی سابق، نسخه‌ای به شماره میکروفیلم ۲۳۲۴ موجود است که در رمضان ۱۲۴۹ در خمسه زنجان توسط سیدمحمد موسوی برای میرزا عباس علی تفرشی نوشته شده است.

#### بخش دوم

#### بررسی نامه مولانا محمد مشکک

بدیهی است که ارایه گزارشی از تمام نامه‌های موجود در مجمع الانشاء، در چهارچوب یک مقاله مختصر نمی‌گنجد و بررسی حتی چندنامه، نشان، فرمان و... در این مختصر مقدور نیست. شاید بتوان تصویری کلی از دورنمای مجمع الانشاء در راستای نقش منشآت، جنگ‌ها و مجموعه مکاتیب در تاریخنگاری و بررسی‌های تاریخی، ترسیم نمود.

بررسی‌های تاریخی مستلزم پژوهش همه جانبه و تکیه بر اسناد و مدارک تاریخی است اگر بخواهیم یک تحقیق تاریخی به معنای علمی و دارای محتوی داشته باشیم ناچار به استفاده از داده‌های گوناگون و رویکردهای متعدد خواهیم بود. مکاتبات میان فرمانروایان سلسله‌های پادشاهی، وزراء آنها، امراء، اعضاء خاندان سلطنتی، شاهزادگان، پدران و فرزندان و حتی نامه‌های متبادله میان زنان حرم، و فرامین، نشان‌ها، وقف نامه، همه و همه از داده‌های مهم در بررسی‌های تاریخی و تاریخنگاری است که این نوع داده‌ها معمولاً نه در متون تاریخی، بلکه در مجموعه‌هایی تحت عنوان منشآت ثبت گردیده است.

وقف نامه‌ها، فرامین، اسناد، فتح‌نامه و... در روزگار خود امری روزمره و عادی به شمار می‌آمده و در جریان اجرای قوانین و انجام عرف معمول کاربرد داشته و هیچگونه نظریه سیاسی در آن مطرح نمی‌شده، زیرا به منظور تبلیغات و هدف خاصی به این امور مبادرت نمی‌کرده‌اند.

اما در مکاتبات، جنبه‌های سیاسی بیشتر مد نظر بوده است. استفاده از نامه‌های تاریخی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است زیرا گاهی به مسایلی می‌پردازند که در هیچ یک از منابع تاریخی به آن نپرداخته‌اند. البته به همان نسبت که ممکن است اینگونه نامه‌ها اخبار دست اولی در متن خود داشته باشند، احتمال دارد جعل و تحریف یا جرح و تعدیل هم در آنها به عمل آمده باشد. بنابراین هرگونه ارجاع و استفاده از اخبار مذکور، جانب احتیاط را می‌طلبد.

مکاتبات تاریخی بیانگر روح حاکم بر تفکر نویسندگان نامه‌ها، شیوه و سبک نوشتاری، اوضاع فرهنگی، اندیشه‌های مذهبی، ارزشهای اخلاقی و موارد گوناگون دیگر است. بنابراین، مجمع الانشاء حاوی نکات مذکور در فوق است و ما در اینجا به عنوان نمونه، یکی از نامه‌های موجود در مجمع الانشاء را به طور مختصر بررسی خواهیم کرد.

#### نامه مولانا محمد مشکک به علمای ماوراءالنهر

در سال ۹۹۶ ه.ق، عبدالله خان اوزبک به محاصره مشهد پرداخت و بسیاری از شهرهای خراسان را تصرف کرد. در این کشمکش‌ها، اوزبکان غارت و ویرانی زیادی برجای گذاشتند. گروهی از بزرگان مشهد نامه‌ای به عبدالله خان نوشتند و دلیل این غارت‌ها و خرابی‌ها را با وجود مسلمان بودن مردم خراسان، جویا شدند. عبدالله خان از علمای ماوراءالنهر خواست که به نامه بزرگان مشهد پاسخ دهند و علمای مذکور در نامه‌ای به بزرگان مشهد آنها را به کمال گمراهی نسبت دادند و مذهب ایشان را ظاهرالبطلان خواندند.

در اینجا بود که مولانا محمد مشکک به میدان آمد و جواب نامه علمای ماوراءالنهر را به سبکی کاملاً ادیبانه، شیوه‌ای منطقی، روشی مبتنی بر مباحثه و نه مجادله داد. این نامه بسیار مفصل است و بررسی تمام آن در این مقاله مقدور نیست.<sup>۵</sup> آنچه نگارنده از محتوای آن نامه برداشت کرده به طور مختصر چنین است:

نویسنده نامه در ابتدای امر خلوص نیت خود در مجاورت آرامگاه ثامن الائمه، امام رضا (ع) را بیان داشته و انگیزه خویش را از انشای نامه به علمای ماوراءالنهر، «انصاف» قلمداد می‌کند و به صراحت می‌گوید: «نه با قزلباش الفت دارد، و نه از اوزبک کلفت». این اولین اصل در یک بحث منطقی است و نویسنده نامه صرفاً انصاف و عدالت را در نظر دارد و به هیچ‌یک از طرفین اظهار تمایل نمی‌کند. در واقع از همان ابتدا استقلال و بی‌نیازی خود را اعلام می‌دارد. شاید بتوان گفت که با توجه به چنین واقعیتی، مستقل‌اندیشی بدون ملاحظه از حکومت وقت در دوره صفویه وجود داشته و این گونه برداشت حاصل ارجاع به این نوع نوشته‌ها و نامه‌ها است نه منابع تاریخی.

نویسنده نامه در گام بعدی به مباحثه دربارهٔ تسنن و تشیع پرداخته و با تکیه بر آیات قرآنی و ارجاع به احادیث و سنت، به شیوه‌ای کاملاً مستدل و منطقی در ارتباط با این دو مذهب سخن گفته و هیچگونه تجاوزی به مذهب مقابل روا نداشته و در عین حال محکم از اعتقاد خود دفاع کرده است. ثبت مباحثات مذکور در اینجا ممکن نیست زیرا تا حدود زیادی طول و تفصیل دارد و خوانندهٔ محترم می‌تواند به اصل نامه رجوع کند. در جای دیگر، نویسنده نامه، علمای ماوراءالنهر را به مناظره فرا می‌خواند، آن‌هم مناظره‌ای در فضایی علمی و عالمانه، چنان که می‌نویسد: «... اما به شرطی که به مناظره و به مقدمات علمی باشد نه به شمشیر و بوکده و قلمتراش». یعنی از فحوای این نامه در می‌یابیم که در آن روزگار مناظرات و مباحثات در فضایی خشم‌آلود و توأم با ضرب و شتم نیز انجام می‌گرفته است. چنین موردی را نیز به ندرت می‌توان از منابع تاریخی دریافت.

در این نامه به واژه‌ای بر می‌خوریم که در هیچ یک از فرهنگ‌های موجود - تا آن جا که من بررسی کرده‌ام - نمی‌توان آن را پیدا کرد. البته دلیل آن، ترکی بودن واژه مذکور است. لغت مورد نظر که در سطور بالا به آن اشاره شد، کلمهٔ «بوکده» که در برخی از منابع دورهٔ صفویه به صورت «بکده» هم آمده است.<sup>۶</sup> ترک‌ها این کلمه را به تخفیف حرف سوم - ک - بوده یا بده تلفظ می‌کنند که به معنی دشنه و خنجر است. نویسنده نامه دقت و وسواس عجیبی در نکات ادبی و دقایق شعری از خود نشان داده تا آنجا که علمای ماوراءالنهر به یک بیت از اشعار مولانا جامی توسل جسته و نوشته‌اند:

هرکه او روی به بهبود نداشت      دیدن روی نبی سود نداشت  
مولانا محمد به نحوی بسیار ظریف به این بیت و عدم دقت علمای ماوراءالنهر به

اصل بیت مذکور اشاره نموده و تحریف آن را با غارت و تالان خراسان به هم ربط داده و نوشته است:

اما از حضرات عالیات که دعوی ادراک دقایق قرآنی نموده‌اند، به غایت مستبعد نمود که در بیت مذکور به جای هرکه را، هرکه او نوشته‌اند و رابطه مصراع‌های مذکور را برداشته‌اند و هر مصراع را فی نفسه ناتمام گذاشته‌اند، به این دقیقه متقن نشده، روح مولانا جامی را آزرده ساخته‌اند. ولیکن چون غارت و تالان برکافه اهل خراسان واقع شده خانه‌ها خراب شد، حضرت مولوی نیز از آن جماعت است. اگر یک بیت او خراب شده باشد، باکی نیست.

به هرحال، حوصله مقاله اجازه بررسی بیشتر این نامه را نمی‌دهد. این نامه چنان علمای ماوراء النهر را در موضع ضعف قرار داد که نتوانستند پاسخ آن را بنویسند و با قیچی آیات قرآنی آن را بیرون آوردند و بقیه نامه را سوزاندند.<sup>۷</sup>

این عبارت مختصری بود که می‌شد در یک نگاه از یک نامه تاریخی برداشت کرد. بنابراین در ارجاع به کل نامه‌های موجود در مجمع الانشاء می‌توان مطالب درخور تأمل و شاید دست اول زیادی پیدا کرد که در دیگر منابع تاریخی شاید به آنها اشاره‌ای نشده است و در کل می‌توان گفت که مجمع الانشاء می‌تواند «تاریخ روابط فرهنگی»، «تاریخ اجتماعی»، «تایخ وقف و وقف‌نامه»، «تاریخ نشان‌ها و فرامین»، و... محسوب گردد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. رجوع کنید به:

*Catalogue the persian Manuscripts in The British Museum*, By Charles Rieu, Ph.D.

Volum 1.

۲. رجوع کنید به مجمع الانشاء نسخه متعلق به کتابخانه ملی به شماره ۱۰۷۹.

۳. رجوع کنید به منبع شماره یک بالا.

۴. رجوع کنید به فهرست فیلم نسخه‌های خطی، چاپ دانشگاه تهران.

۵. برای بررسی اصل نامه نگاه کنید به مجمع الانشاء، نسخه خطی کتابخانه ملی - شماره ۱۰۷۹، صفحات پایانی نسخه.

۶. مثلاً در تاریخ عهد سلاطین صفوی، اسماعیل الحسنی المرعشی تبریزی، نسخه خطی کتابخانه ملک، ص ۵۴۸.

۷. نگاه کنید به شاه عباس، دکتر عبدالحسین نوائی، ج ۱، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ ش، ص ۲۰۸.